روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۲۲ تیر ۱۳۹۵ • ۷ شوال ۱۴۳۷ • ۱۲ جولای ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۲۸ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۲ • اذان صبح‌فردا ۴:۱۵ • طلوع آفتاب ۵:۵۹

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

اتفاق

لینک فروشنده فرهادی آمد

● **شرق:** تا حالا شده که دنبال مطلبی بگردید و لینک یا مطلب دیگری پیدا کنید. حکایت ساده‌ای است؛ همه منتظرند تا ببینند فیلم «فروشنده»، ساخته اصغر فرهادی، با دو جایزه از جشنواره کن و دریافت جایزه از مونیخ و حواشی پیش‌آمده بر سر حذف‌کردن یا نکردن موسیقی ملوک ضرابی چه وقت اکران می‌شود. اما اگر این روزها در فضای مجازی بگردید، با این کلیدواژه می‌توانید به این لینک دسترسی پیدا کنید: «دانلود فیلم فروشنده با لینک مستقیم»، «دانلود فیلم فروشنده با کیفیت HD» و «دانلود/ تریلر اضافه شد» و در ادامه می‌توانید این را ببینید که نوشته شده: «دانلود فیلم به صورت کم‌حجم و رایگان» و البته این فقط برای فیلم «فروشنده» نیست، فیلم‌های دراکولا، ایستاده در غبار، پنج تا پنج... این سایت‌ها که برخی از آنها در وزارت ارشاد ثبت شده‌اند، در بخشی از توضیحات فیلم این‌چنین هم نوشته‌اند؛ توجه: در صورت درخواست صاحب اثر لینک دانلود حذف می‌شود و همچنین به مخاطبان توصیه کرده‌اند: «جهت حمایت از صاحب اثر، این فیلم را به صورت اورجینال از فروشگاه‌های عرضه محصولات فرهنگی خریداری کنید» .اما قسمت خوش ماجرا این است که فیلم‌هایی که به شبکه نمایش خانگی نیامده‌اند در این لینک‌ها به نتیجه نمی‌رسند و مخاطب پیگیر را از این صفحه به آن صفحه یا ابتدای سایت بازمی‌گردانند. مخاطبان را کاملا فریب می‌دهند و هیچ چیزی در اختیار او قرار نمی‌دهند مانند زمان‌های قبل‌تر که سی‌دی‌های خالی را به نام فیلم‌های روی پرده می‌فروختند اما این‌بار به صورت مجازی. البته یکی، دوتا از این سایت‌ها تریلرهای این فیلم‌ها یا بخش‌های تبلیغی این فیلم‌ها را به‌جای فیلم کامل برای مخاطب نمایش می‌دهند. این روزها که سینمای آنلاین نیز در حال راه‌اندازی است و قرار است از هفته آینده با اکران یکی از فیلم‌های روی پرده کار خود را آغاز کند، به نظر می‌رسد کار را برای مخاطبان آسان‌تر کند. اولین سامانه سینماآنلاین کشور به‌منظور بهره‌بردن از ظرفیت فرهنگی سینما و ساختن سینمای همگانی به همت اپراتور IPTV کشور راه‌اندازی شده است. البته امکانات مناسب برای این استفاده فراهم شده به‌گونه‌ای که تمامی فیلم‌های این سامانه از فناوری هوشمند تطابق با سرعت اینترنت بهره می‌برند و همه کاربران با سرعت‌های مختلف می‌توانند از امکانات سامانه استفاده کنند.

کارتون خواب

محسن نوری‌نجفی

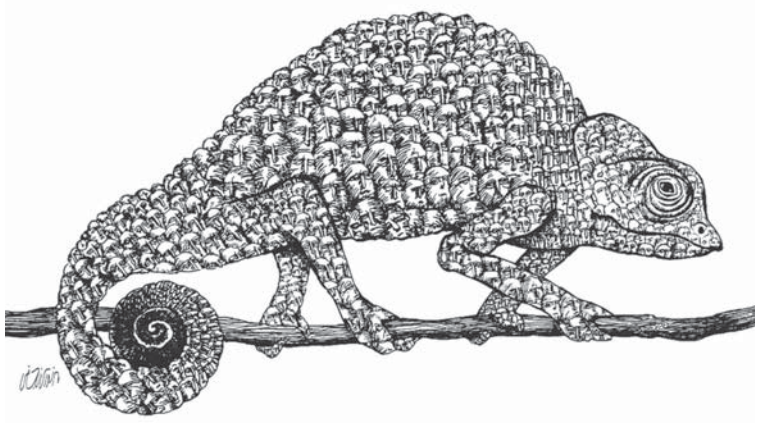

نامه‌ای به رئیس‌جمهور

آبروی مملکت را بخرید

لیلی گلستان

آقای روحانی عزیز
با سلام و صلوات بسیار

من به شما رأی دادم و نه به وزرا و وکلایتان، پس روی سخنم فقط با شماست و لاغیر.

دلم می‌خواست روبه‌رویم نشسته بودید و حرف‌هایم را نه آرام بلکه با فریاد می‌گفتم.

آقای روحانی اهالی فرهنگ و هنر خسته شده‌اند. خسته و دلمرده و جان‌به‌لب.

از کجا شروع کنم که خدا را خوش بیاید.

از کتاب «کلنل» دولت‌آبادی بگویم که ترجمه تکه‌تکه و ناقصش روی تمام بساطی‌ها ریخته؟

از کتاب «زندگی در پیش رو» و کتاب «میرا» بگویم که نه فقط افست آن در بساطی‌ها که در قفسه‌های کتاب‌فروشی‌ها هم دیده شده. (که وقتی به ارشاد گله کردم، گفتند به ناجا مربوط می‌شود!)

از آثار تجسمی دزدیده‌شده توسط کارمند ارشاد بگویم که هنوز نه به دار است و نه به بار.

از مجسمه ۳۵۰ کیلویی لاهوتی بگویم که در ایام تعطیلات عید از ساختمان معاونت فرهنگی دزدیده شده و تازه متوجه شده‌اند و هنوز کسی چیزی نگفته.

از عمل کیارستمی بگویم که منجر به مرگش شد یا از فرش قرمزی که برای ورود جسدش پهن کردند!

از فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» بگویم که بعد از سه ماه گفتند: از دستمان در رفته بود! و لغو مجوز شد.

از فیلم کاهانی بگویم که گفتند دخترها در فیلم برای مردها له‌له می‌زدند.

از قلع‌وقمع کتاب‌ها بگویم که همچنان ادامه دارد.

از لغو مجوز آخرین لحظه کنسرت‌ها بگویم که هم گروه کلی هزینه کرده و هم مردم بلیت خریده‌اند.

از برنامه نازیبای «هفت» تلویزیون بگویم که مدیر شبکه هم از آن دفاع کرد.

از مجوزنداشتن شجریان عزیزمان بگویم؟

***

از کدامین دردمان بگویم که عجیب است که از رو هم نمی‌رویم و مدام هم حضورمان را اعلام می‌کنیم.

حالا نوبت پرویز تناولی، این استاد بزرگوار است که به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی ممنوع‌الخروجش کرده‌اند.

تناولی و نشر اکاذیب!! مردی که عاشق ایران و هنر و سنت‌های آن است، مردی که تمام عمرش را به کار و کارگری در خدمت هنر ایران گذرانده، برای ایران افتخار آفریده، تمام موزه‌های مهم دنیا از او کار دارند.

مردی که این همه شاگرد درجه‌یک تربیت کرده، مردی که این همه سربه‌زیر و فروتن است که مجسمه‌هایش را خریدند و ریختند در انبار شهرداری و با چه خون دلی توانست فقط خانه‌اش را پس بگیرد.

حالا به خودش گیر داده‌اند و دستش به کجا بند است؟ چه کسی به دادش می‌رسد و چه کسی قرار است...

آقای روحانی نگذارید کاری کنند که این استاد بزرگ هم مثل خیلی‌های دیگر برود و پشت سرش را هم نگاه نکند و عطای ایران را به لقایش ببخشد.

متولیان فرهنگ و هنرمان که فقط نظاره‌گرند، دست‌هایشان را به هم می‌مالند، سری تکان می‌دهند و می‌گویند در بضاعت‌مان نیست.

یعنی نمی‌توانیم؛ یعنی قدرتش را نداریم؛ یعنی هیچ کاره‌ایم.

که البته من نمی‌دانم چرا هنوز هستند.

آقای روحانی می‌دانم خیلی گرفتارید. ترمیم و بازسازی خرابی‌های آن هشت سال عجیب به ۸۰ سال کار شبانه‌روزی نیاز دارد؛ اما ما را دریابید.

بیایید آبروی مملکت را بخرید. اهالی فرهنگ و هنر آبروی مملکت ما هستند، آنها را دریابید.

فقط شما می‌توانید، فقط شما بضاعتش را دارید، شما چیزی از دستتان در نمی‌رود!

آقای روحانی من به شما رأی دادم و پای رأیم هم ایستاده‌ام؛ روسیاهم نکنید.

بر فراز شهر

درباره حکم ممنوع‌الخروجی یک هنرمند

تناولی، مدیران و شکایت

محسن هاشمی

پرویز تناولی دومین چهره شناخته شده جهانی سرزمین ایران (نخستین چهره جهانی‌مان را یکشنبه به خانه دوست بدرقه کردیم)، روز شنبه ۱۲تیر درخروج از کشور به مقصد لندن برای رونمایی از کتاب تازه‌اش به دلیل ممنوع‌الخروجی از سفر بازماند.

متعاقب آن مجید ملا نوروزی در مصاحبه‌ای از شاکی شخصی (و نه سیاسی) برای این ممنوعیت خروج پرویز تناولی خبر داد. حالا در رسانه‌ها معلوم شده این ممنوعیت خروج به‌دلیل شکایت نیروی انتظامی است که آثار این هنرمند را مصداق تشویش اذهان‌عمومی و نشر اکاذیب تلقی کرده است.

پیش از هرچیز باید گفت مسئولیت و مأموریت نیروی انتظامی درک و تفسیر آثار هنری نیست! این وظیفه در شرح مأموریت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده است و نه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

بر نهاد ریاست‌جمهوری است با تهیه لایحه‌ای این موضوع را به نیروی انتظامی و جاهای دیگر متذکر شود.

اما نکته مهم‌تر که قصد نگارنده از نگارش این یادداشت است؛ اظهار تأسف برای مجید ملانوروزی و علی مرادخانی به‌عنوان متولیان خوش‌پیشینه صیانت و حمایت از هنر است که در چند ماهه اخیر نه‌تنها نتوانسته‌اند مسئولیت خویش را به‌درستی ایفا کنند بلکه با تناقض‌گویی درباره واگذاری موزه هنرهای معاصر، لغو کنسرت‌ها و اکنون شخصی‌بودن شکایت از پرویز تناولی، سیاست را بر اخلاق ترجیح داده‌اند!

ماجرای عشق و عاشقی میدون

جامه مدر، «هیچ» مگو

فریدون مجلسی

پوریای عزیز- یا بهتر است بگویم میدون دوم عزیز - دیدی چطور به دام سیاست افتادی و آب رفتی؟ مشکل سیاست این است که تو ول می‌کنی، اون ول نمی‌کنه! مثلا تو صفحه اول همین شماره روزنامه نوشته مجسمه‌های تناولی مصداق نشر اکاذیب است.

تو که صفحه آخر هستی که جای خود داری. حالا بگو ببینم کار تناولی سیاسی است یا غیرسیاسی؟ راستش این «مصداقِ» و «به‌مثابهِ» هم کیمیای بزرگیست که می‌تواند امر غیرسیاسی را به سیاسی تبدیل کند. مثلا می‌نویسی «من از آش شله‌قلمکار» بیزارم! همین‌طوریش غیرسیاسی به نظر می‌رسه. وای به زمانی که عنصری شریف پیدا شود و بگوید این «به‌مثابه کنایه‌زدن و تشویش اذهان عمومی است». خب احتمالا راست هم می‌گوید.

چون ممکنه عده‌ای خیال کنند اوضاع مثل آش شله‌قلمکار نیست، آن‌وقت با این حرف‌های تو اذهانشان مشوب و خوابشان آشفته می‌شود! حالا چی میگی؟ همین آقای تناولی داشت می‌رفت لندن چند سخنرانی هنری درباره مجسمه‌سازی و «هیچ»هایش بکند که مواجه شد با روکم‌کنی و حالا معلوم شده مجسمه‌هایش مصداق نشر اکاذیب است.

یعنی «هیچ»هایش همه‌چیز است الا هیچ. حالا در این وضعیت اذهان عمومی ناگهان مشوب شده است.

یکی از حقوق کارمندی‌اش حرف می‌زنی، می‌گوید هیچ! آن یکی از درآمد تولیدی‌اش حرف می‌زنی می‌گوید هیچ! آن طرف از بودجه عمرانی حرف می‌زنی می‌گوید هیچ، حتی از فوتبال حرفه‌ای میلیاردی برخوردار از بودجه دولتی حرف می‌زنی خودش را با آلمان و فوتبال غیردولتی و درآمدهای میلیون‌یورویی آنها مقایسه می‌کند و می‌گوید هیچ! از حقوق‌های نجومی و پاداش‌های مدیریتی میلیاردی حرف می‌زنی، در مقایسه خودش با راکفلر و بیل گیتس می‌گوید هیچ! پوریا جان تناولی که سهل است، در این جو مبارزه با فساد حتی اگر حضرت مولانا می‌آمد و می‌گفت: دنیا همه هیچ و اهل دنیا همه هیچ / ای هیچ برای هیچ بر هیچ مپیچ /دانی که پس از عمر چه ماند باقی / مهر است و محبت است و باقی همه هیچ؛ خب ببین پوریاجان، آنکه مجسمه هیچ‌اش را ساخته و منتشر هم نکرده فقط قدری بر هیچ پیچیده، شده مصداق نشر اکاذیب، حالا ببین حضرت مولانا که حرفش را زده و چاپ هم کرده، باید چه سین‌جیمی پس داده باشد!

فکر می‌کنم مولانا هم دچار مشکلات «به مصداقی» شده بود که متنبه شده و خودش را و پوریا را نصیحت می‌کند و شخصا می‌فرماید: سخن رنج مگو جز سخن «گنج» مگو / ور ازین بی‌خبری رنج مبر «هیچ مگو» /دوش دیوانه شدم عشق مرا دید و بگفت: / آمدم، نعره مزن، جامه مدر «هیچ مگو!». می‌بینی، پوریا! در اینجا منطق مولانا چقدر به منطق‌های پدر سوفیا نزدیک می‌شود؟ علنا می‌فرماید «جز سخن گنج مگو» وگرنه بگیر ساکت بنشین.

اگر سخن گنج بلد باشی، یک‌راست میری کنار همان سلین دیون خودت، بی‌خیال، بی‌مزاحمت، بدون روکم‌کنی، وگرنه خود دانی و امان از وقتی که سوفیا تو را در حالت دیوانگی ببیند و به کمکت بیاید که ای بابا نعره مزن، جامه مدر، «هیچ» مگو، تا زمینه تشویش اذهان عمومی هم نشود. الان بری سر کوچه اذهان عمومی که همگی از موزه‌ها و کتابخانه‌ها آمده و در صف نانوایی ایستاده‌اند از دست همین کارهای تناولی دچار تشویش شده‌اند و بلاتکلیف مانده‌اند.

بازتاب

پس از انتشار گزارش «حاشیه‌های بدرقه بزرگ کیارستمی»، شورای اسلامی شهر لواسان به بخشی از این گزارش واکنش نشان داده است. توضیح این نکته ضروری است که در گزارش موردنظر، «شرق» با استناد به اخباری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود، از قیمت مزار درنظرگرفته‌شده برای کیارستمی با این توضیح انتقاد کرده بود که قیمت مورد بحث تأیید یا تکذیب نشده و صرفا مشاهدات خبرنگارانی است که با همراهان کیارستمی برای دفن پیکر او به لواسان رفته‌اند. حال اما در جوابیه‌ای که به امضای مجید فتاحی، رئیس شورای اسلامی شهر لواسان، رسیده، اعلام شده است که این مزار به صورت رایگان در اختیار خانواده کیارستمی قرار گرفته است که خود باعث امیدواری و سپاس است.

درخصوص چاپ مطلبی با عنوان «حاشیه‌های بدرقه بزرگ کیارستمی» در صفحه آخر روزنامه دوشنبه مورخ ۲۱تیر سال ۹۵، خواهشمند است دستور فرمایید جوابیه ارسالی در همان صفحه منتشر شود. شهر لواسان و شهروندان هنردوست آن بسیار مفتخرند که میزبان پیکر هنرمند فرهیخته و چهره بین‌المللی، مرحوم عباس کیارستمی، هستند. مسئولان شهر پس از اطلاع از تعیین محل دفن ایشان تلاش کردند تا مقدمات این خاک‌سپاری به نحو شایسته و درخور این مرد بزرگ انجام گیرد و در این راه هیأت امنای محله ترک‌مزرعه نیز به پاس خدمات ارزشمند هنری ایشان از هیچ مساعدتی کوتاهی نکرد و برخلاف شایعات ایجادشده، هیچ‌گونه وجهی از خانواده ایشان دریافت نشده است. علاوه‌براین مرحوم کیارستمی در زمان حیاتشان نیز شهروند لواسان بوده‌اند. قطعا ایشان از این شهر و شهروندان خاطرات خوبی داشتند که وصیت کردند در این شهر به خاک سپرده شوند. بنابراین شهروندان لواسان در زمان حیات این هنرمند بزرگ با آثار هنری ایشان خاطره‌سازی کردند و پس از وداع با آن مرحوم این خاطرات را به‌عنوان یک برگ زرین برای همیشه ماندگار خواهند داشت.

یازدهمین شماره جامعه پویا با شکل جدید منتشر شد

هر دوهفته یک‌بار دوشنبه‌ها با شماییم

روزنامه‌ی شرق برگزار می‌کند

کمدیِ اجتماعی

دوشنبه ۲۸تیر۱۳۹۵ ساعت ۱۷
کمدیِ اجتماعی در ترانه
سینا حجازی

شنبه ۲۶تیر۱۳۹۵ ساعت ۱۷
کمدیِ اجتماعی در تئاتر
حسن معجونی

سه‌شنبه ۲۹تیر۱۳۹۵ ساعت ۱۳
کمدیِ اجتماعی در تلویزیون
رامبد جوان

یکشنبه ۲۷تیر۱۳۹۵ ساعت ۱۳
کمدیِ اجتماعی در انیمیشن
علی درخشی

سه‌شنبه ۲۹تیر۱۳۹۵ ساعت ۱۷
کمدیِ اجتماعی در کاریکاتور
کامبیز درمبخش

یکشنبه ۲۷تیر۱۳۹۵ ساعت ۱۷
کمدیِ اجتماعی در سریال
سروش صحت

چهارشنبه ۳۰تیر۱۳۹۵ ساعت ۱۳
کمدیِ اجتماعی در فیلمنامه
پیمان قاسمخانی

دوشنبه ۲۸تیر۱۳۹۵ ساعت ۱۳
کمدیِ اجتماعی در بازیگری
فرهاد آئیش

چهارشنبه ۳۰تیر۱۳۹۵ ساعت ۱۷
کمدیِ اجتماعی در مطبوعات
پوریا عالمی

sharghworkshop

■ کارگاه‌ها بر اساس ایده انتقال تجربه و به صورت سمینار یا مسترکلاس و با طراحی مدرس مربوطه، در یک جلسه ۱۵۰دقیقه‌ای برگزار می‌شود. ■ هزینه شرکت در هر کارگاه ۵۰هزار تومان است. ■ ظرفیت هر کارگاه محدود است و به نظر مدرس بستگی دارد. ■ برگزاری دوره مجدد فعلا در دست بررسی است. ■ برگزاری دوره‌های عملی در حال برنامه‌ریزی است. ■ به شرکت‌کنندگان گواهی شرکت در دوره تقدیم خواهد شد. ■ محل برگزاری کارگاه‌ها سالن آمفی‌تئاتر دانشکده اقتصادِ دانشگاه علامه، واقع در خیابان احمدقصیر (بخارست)، نبش خیابان شهیدبهشتی است. ■ برای اطلاع از برنامه‌های دیگر عضو کانال تلگرام کارگاه شرق به نشانی sharghworkshop بشوید. ■ علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام به نشانی kargah.shargh@gmail.com یک ایمیل بفرستند تا نحوه ثبت‌نام برای‌شان ارسال شود.